

معنویت و حکمت در معماری سبک چهارباغ در دوران صفوی

نویسنده: زهرا مقدادی (کارشناس ارشد فلسفه هنر)

سید رضی موسوی گیلانی (دانشیار دانشگاه ادیان و مذاهب)

Spirituality and wisdom of Chahar-bagh style in Safavid architecture

چکیده

چهارباغ در مقام منظر و سبکی معمارانه است که در پرتو نگره دینی - معرفتی ایرانی مسلمان در عهد صفوی به بلوغ و جلوه‌ای مثال‌زدنی دست می‌یابد. چهارباغ در ارتباط با مفهوم بهشت‌های چهارگانه قرآن کریم، نقل و سیره ائمه معصومین علیهم‌السلام و توجه ویژه به سنت اسلامی و گران قدر وقف در دوران صفوی آینه‌دار معماری اسلامی است. دقت نظر در این منابع و جهان ادبیات، حکمت و عرفان آن دوره، دقایق معنوی و حکمی مفهوم بهشت قرآنی در زمانه صفوی و زمینه سنت‌های شیعی با مفهوم چهارباغ به زیبایی گره خورده، در نتیجه همین پیوند مقدس، چهارباغ دوران صفوی آینه تمام‌نمای طرح و ایده‌ای معرفتی و جلوه‌ای بهشتی‌سا از هنر مکتب اصفهان است؛ اصفهانی که به مدد چهارباغ‌های زیبا و بهشت‌گونه‌اش به باغ شهری به‌یادماندنی بدل می‌شود. پژوهش حاضر، با رویکرد تحلیلی و توصیفی و به روش کتابخانه‌ای به بررسی معماری سبک چهارباغ در دوران صفوی می‌پردازد؛ این پژوهش با پی‌جویی در آیات و روایات و همچنین دیگر گزاره‌های حکمی، معرفتی، دینی، ادبی و... به رصد کردن دقایق معرفتی - دینی چهارباغ در دوران صفویه می‌پردازد.

واژگان کلیدی

چهارباغ، صفویه، بهشت قرآنی، روایات اسلامی، وقف.

مقدمه

هنر اسلامی از زیباترین و تأثیرگذارترین هنرهاست؛ هنری با تمدن هزار و چندین ساله که خط و کتیبه‌هایش، رنگ و نگاره‌هایش، سفال و کاشی‌هایش، پارچه‌های زردوز و ترمه‌اش و گلدسته‌های مساجدش را در خود جای داده است و در میان انواع هنر اسلامی، معماری دارای جایگاه بس ویژه است و باغ با تمام هیمنهٔ سبز و خرمش منظری انسان‌ساخت و به‌غایت به‌یادماندنی از هنر معماری است. نظریه‌پردازان منظر، بر این قول متفق‌اند که برای مطالعه الگوهای آرمانی تمدن‌ها کافی است تا هنرِ باغ‌سازی آن‌ها را مورد مطالعه قرار دهیم؛ چراکه باغ‌ها در معماری کمال‌اعلی و اوج فرآیند تمدن‌ها را به نمایش می‌گذارند (رک: جنکز، چارلز؛ ش ۵، ص ۶۴). باغ ایرانی در مسیر ممتد خود از روزگاران کهن و در گذار قرن‌ها و قرین شدن با فرهنگ اسلامی به‌ویژه از قرن دهم تا دوازدهم ه.ق (دوران صفویه) آینه‌دار تمام عیار هنر ایرانی - اسلامی است که به‌صورت سبک^۱ معمارانه و درخور بر تارک خاطر و خاطره تاریخ معماری خوش می‌نشیند.

بیشتر پژوهشگران^۲ معماری سنتی ایران، چهارباغ را سبکی درخور در معماری باغ

۱. سبک ویژگی‌ها و مشخصات صوری مربوط به دوره‌ای هنری، گروه و یا جنبشی معین که براندیشه یا جهان‌بینی خاص و معینی مبتنی است (رک: کرامتی، ۱۳۸۳، ص ۳۷۴).

۲. درباره باغ دوطیف کلی نظری وجود دارد؛ برخی پژوهشگران معماری باغ را سنتی شاهانه و تغزلی با ایده مکان مفرح و جایگاهی برای عیش و نوش و طرب افکنی دانسته، عده‌ای نیز با صحنه گذاشتن برآیده معنوی باغ آن را تنها تمثیلی از بهشت قرآنی معرفی می‌کنند.

می‌دانند.^۱ سبکی دارای انتظام و هندسه با ویژگی‌های عمومی، نظیر تقاطع محورهای عمودی و افقی معبرها، با جوی‌ها و یا خیابان‌هایی کشیده در راستای فضای مستطیل شکل باغ - باغچه‌هایی در دو طرف آبراه مرکزی و اغلب با حوضی در مرکز^۲ و کوشکی^۳ در انتهای باغ.^۴ چهارباغ‌ها با درخت و آب و تازگی خود، کالبد معماری اصفهان دوره صفوی را که ترکیبی بود از مسجد، پل، کاروانسرا، مدرسه و... به منظری یکدست سبز و خرم بدل کردند. مکانی که وقتی گذر سیاحانی از پاریس، لندن، رم و دیگر نقاط جهان به آنجا (اصفهان، قزوین، کاشان، ماهان، تبریز و...) می‌رسید، چنین باغ و منظری را متفاوت از باغ‌های زیبای مناطق دیگر جهان تفسیر می‌کردند.^۵

بارقه‌های معرفت اسلامی در هنر و معماری عهد صفوی به جهت موجودیت حکومت مرکزی مقتدر (اولین حکومت ایرانی - شیعی) و هم عصری عالمان و حکیمانی گران قدر چون: علامه مجلسی، شیخ بهایی و ملاصدرا، شیرازی جلوه‌گری می‌کند. چهارباغ‌های صفوی نیز به جهت سبک ویژه معماری و دارا بودن جهانی از معنا در این عرصه حائز اهمیت اند. چهارباغ‌های شهر اصفهان با ویژگی‌هایی نظیر عام‌المنفعه بودن و استفاده از فضای فرح‌بخش و همچنین میوه درختانش در باغ‌های مردمی با باغ سازی در سایر ادوار تاریخی ایران (باغ‌های سلطنتی صرف) متمایز است؛ تا آنجا که حتی چهارباغ‌های سلطنتی در اعیاد ملی و مذهبی برای حضور مردم گشایش می‌یافتند (متدین، ۱۳۸۹، ص ۵۹). دلاواله در سفرنامه‌اش می‌نویسد: «این باغ‌ها متعلق به شاه است؛ ولی مردم با آزادی کامل از آن‌ها استفاده می‌کنند و آن قدر میوه در آن‌ها وجود دارد که برای تمام شهر کافی و حتی زیاد است» (دلاواله، ۱۳۴۸، ص ۴۰). همچنین اختصاص یافتن، یک روز در هفته (چهارشنبه‌ها) جهت حضور بانوان در خیابان چهارباغ و قرق کردن ویژه

۱. اگرچه گاه، معناهایی باستانی، ادیبانی و استعاری و نمادین برای نسبت بخشی بین عدد چهار و زمین و طبیعت مطرح شده است.

۲. باوجود اقلیم خشک و کم باران ایران، معمولاً حوض، آبراهه و جوی‌های متصل، به غیر از انتظام و هندسه چهارباغ، بهترین و بیسندترین راه ممکن برای آبیاری معتدل در تمامی باغ است.

۳. عمارت باغ، کلاه‌فرنگی، بالای بنا، سقفی چادرمانند که اطرافش باز است و به ستون‌هایی متکی است و در سبک چهارباغ معمولاً در انتهای آن قرار دارد.

۴. در بیشتر منابع مرتبط این اجماع معنایی وجود دارد؛ از جمله: (استیرلن، ۱۳۷۷، ص ۴۴) و (رک: سلطان‌زاده، ۱۳۷۸، ص ۹۲-۱۱۱).

۵. پیرلوتی باغ شهر اصفهان را بهشت عدنی توصیف کرده که هم جنگل است و هم شهر! (استیرلن، ۱۳۷۷، ص ۵۰).

آنجا، به‌گونه‌ای که مردان حق عبور و مرور نداشتند و تنها زنان فروشندگان و خریداران زن در چهارباغ حاضر می‌شدند (شاردن، ۱۳۷۲، ص ۱۳۴۵).

از این رو چهارباغ صفوی، فارغ از ابعاد زیبا شناسانه، معمارانه و جلوه‌های بدیع طبیعت، به دلیل ابعاد معنا شناسانه نیز از اهمیت شایانی برخوردارند و این پژوهش اهتمامی در راستای شناخت بیشتر سبک چهارباغ و رصد کردن گزاره‌های دینی - معرفتی در معماری دوران صفویه است.^۱ بدین ترتیب با عطف توجه به گزاره‌هایی مرتبط با معارف و سنت‌های اسلامی، اخلاق عملی (بر اساس فتوت نامه‌ها)، ظرفیت‌های مکتوب تاریخی - ادبی و... می‌توان چهارباغ عهد صفوی را در مقام، سنتی معمارانه و در امتداد نگاه دینی - معرفتی بازشناخت. سعی این نوشتار، شناسایی و تبیین لایه‌های معرفتی - دینی معماری چهارباغ در زیست جهان مردمان عهد صفوی است.

۱. بهشت‌های چهارگانه قرآنی

همواره در معناشناسی باغ ایرانی - در مقابل انواع دیگر باغ: باغ مصری، باغ ژاپنی و باغ اروپایی - این‌گونه باغ با تصویر بهشت قرین بوده است. بهشت^۲ واژه‌ای دینی است که در متون بازمانده از فارسی میانه و اوستایی به معنای بهترین زندگی (بهترین هستی) برای توصیف جهانی روحانی به کار رفته است (دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۱، ص ۵۰۷۳). بهشت واژه‌ای است که دقیقاً با مباحث آخرت‌شناسی ادیان ابراهیمی^۳ ارتباطی مستقیم دارد؛ اما از منظر منابع اسلامی (آیات و روایات) این تطابق معنایی بسیار ویژه است؛ چراکه باغ‌های زمینی به باغ بهشت آسمانی مانند شده‌اند. بسیاری از پژوهشگران هنر اسلامی و مورخان نیز بر این پیوند میان

۱. در مقاله «بررسی تطبیقی تأثیر ایده‌های معنوی در شکل باغ» به تمایزهای کالبدی باغ ایرانی پیشا اسلامی و دوران اسلامی اشاره شده است (لیبب‌زاده و دیگران، ۱۳۹۰).

۲. بهشت (فردوس، جنت، مینو، خُلد): جایی سرسبز و خرم، سرشار از خوبی‌ها و لذت‌ها که پاداش پس از مرگ است. (فرهنگ لغت معین، ذیل واژه بهشت) جایی که نیکوکاران پس از مردن همیشه در آنجا خواهند بود؛ جایی که از خوبی و خرمی نظیر نداشته باشد (فرهنگ لغت عمید، ذیل واژه بهشت).

۳. هورویتنس ریشه این واژه را به فرهنگ و دین یهود ارجاع داده و آن را با ترکیب gan eden (بهشت آسمانی) که در تورات (سفر پیدایش، ۱۰:۹:۲) به کار رفته هم معنای می‌شمرد (رک: دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۱، ص ۵۰۷۳).

هنرو باغ ایرانی و بهشت تأکید کرده‌اند.^۱

واژه جَنَّت^۲ در قرآن کریم غالباً به معنای خاص، یعنی جایگاه نیکوکاران و مؤمنان در عالم آخرت و گاه به معنای باغ معنا شده است. بیشتر لغت‌شناسان و نویسندگان مسلمان لغتنامه‌های قرآنی، این واژه را عربی و از ریشه ج، ن، ن، به معنای «پوشیدگی، سترو حفاظ داشتن» دانسته، مراد از آن را بُستان و باغی می‌دانند که در آن سطح زمین، به سبب تراکم بسیار درختان، از دیده پوشیده می‌ماند. در تفاسیر قرآن کریم نیز، معمولاً جنت با تعبیر آي البساتین معنا می‌شود؛ یعنی نزدیک‌ترین تعبیر و تصویری که جهان معنای جنت را نمود می‌دهد، تصویر باغ و بستان‌های زمینی است. همچنین در غالب ترجمه‌های فارسی قرآن از قرن چهارم ه. ق تا کنون، برای معنای خاص جنت «بهشت» ارائه شده است (رک: دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۱، ج ۱۱، ص ۵۰۷۳).

جان‌مایه بهشت‌های چهارگانه را که برابر نهادی مناسبی برای تصویر آفرینی و واژه‌گزینی چهارباغ است، به صورت خاص در سوره الرحمن و به صورت عام با تحلیل و بررسی آیات قرآن کریم و نشانه‌شناسی روایات در چهار مرتبه بهشت (جنت‌المأوی، جنت النعیم، جنت عدن و جنت فردوس) می‌توان رصد نمود.

۱.۱. سوره الرحمن^۳

آیات ۴۸ و ۶۲ سوره الرحمن شاهدهی بر این مدعاست؛ آنجا که پروردگار می‌فرماید: «وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ» (رحمان: ۴۶) «ذَوَاتَا أَفْنَانٍ» (رحمان: ۴۸) «وَمِنْ دُونِ هُمَا جَنَّاتٍ» (رحمان: ۶۲)؛ و برای کسی که از مقام پروردگارش ترسان [پرهیزکار] است؛ دو باغ بهشت است.

۱. پژوهشگران نامداری چون: هائری کرین، آنه ماری شیمل، هائری استیرلین، جورج دیکو و... با روش پدیدارشناسانه و بانوعی همدلی باغ و هنر اسلامی را طبق زیست جهان دینی، معرفتی هنرمندان و در بستر فرهنگ عرفانی، اسلامی تمثیلی از بهشت معنا می‌کنند. گاه پژوهشگران عرصه باغ، با نوعی این‌همانی میان نعمات بهشتی (درختان پرسایه، جویباران، تختگاه‌ها و عمارت‌ها و...) و مفهوم باغ ایرانی - اسلامی تنها ایده معنوی بودن باغ را مطرح می‌کنند و چندان به تحلیل و استدلال نپرداخته‌اند.

۲. قرآن کریم بیش از ۱۳۰ بار به جنت و نعمت‌های آن پرداخته است: نجم: ۱۵، رعد: ۲۳ و ۱۱، دخان: ۵۱، انعام: ۱۲۷، عنکبوت: ۶، یونس: ۱۰، فرقان: ۱۵، کهف: ۱۰۷.

۳. در تحلیل این قسمت از مقاله به صورت توأمان به این تفاسیر رجوع شده است: (رک: مکارم شیرازی، ج ۲۳، ص ۱۶۳-۱۶۲) و (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۱۸۸-۱۸۷) و (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۲۴، ص ۱۱۸).

آن دو باغ بهشتی دارای انواع نعمت‌ها و درختان پرطراوت است... و به غیر از آن دو [بهشت]، دو باغ بهشت دیگر است.

اینکه خداوند برای پرهیزکاران دو بهشت و به غیر از آن دو بهشت اولین، باز دو بهشت دیگر در نظر گرفته است؛ اصطلاحاً تعبیر چهار بهشت قرآنی را می‌آفریند و از آنجا که عناصر باغ (درختان و گیاهان سرسبز، آب، عمارت و تختگاه‌ها، فرح‌بخشی و...) در بهشت آسمانی و چهارباغ زمینی بسیار متجانس و همگون به نظر می‌رسد، توانسته شباهت و این‌همانی معنا و منظر را در این دو معماری آسمانی و زمینی رقم زند.

تفاسیر مختلفی در باب دو بهشت اول صورت گرفته: بهشت مادی و جسمانی، بهشت معنوی و روحانی،^۱ همچنین بهشت اول به عنوان پاداش اعمال و بهشت دوم به عنوان تفضلی از سوی پروردگار.^۲ دو بهشت نزدیک به یکدیگر، بهشتی برای اطاعت و بهشتی برای ترک معصیت و یا بهشتی برای ایمان و عقیده و دیگری برای اعمال صالح و مانند این‌ها. در تفاسیر اسلامی گاه تبیین سومین و چهارمین بهشت از باب ازدیاد نعمت و فزونی است؛ یعنی غیر از آن دو بهشت [اول]، دو بهشت دیگر برای همان مؤمنان است تا در باغ‌های آن در گردش باشند.^۳ عبارت «مُدَهَامَّتَان» (رحمن: ۶۴)؛ هر دو کاملاً خرم و سرسبزند^۴ نشان می‌دهد که سرسبزی و خرمی این دو باغ همچون دو باغ بهشت اول است.

طبق روایات اسلامی، بر این نکته تأکید شده است: «نگویید یک بهشت، چرا که خداوند می‌فرماید: غیر از آن دو بهشت، دو بهشت دیگر وجود دارد» (مجلسی ج ۶۶، ص ۱۵۵) عبارت

۱. چنانکه در قرآن کریم آمده است. «لِّلَّذِينَ إِتَّقُوا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ» (آل عمران: ۱۵)؛ در این آیه علاوه بر بهشت جسمانی که نهرها از زیر درختانش می‌گذرد و وجود همسرانی پاک؛ از بهشت معنوی که خشنودی خداست، سخن می‌گوید.

۲. «لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَ يَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ» (نور: ۳۸)؛ هدف این است که خداوند پاداش بهترین اعمال آن‌ها را بدهد و از فضلش بر آن بیفزاید.

۳. در این باره پیامبرگرامی اسلام ۹ می‌فرماید: «دو بهشت که بنای آن‌ها و هر چه در آن‌ها است از نقره است و دو بهشت که بنای آن‌ها و هر چه در آن‌ها است از طلاست». امام صادق ۷ نیز فرمودند: «نگویید بهشت یکی است، چرا که خداوند می‌گوید: غیر از آن دو بهشت، دو بهشت دیگر است و...» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶۶، ص ۱۵۵).

۴. در اصل به معنی سیاهی و تاریکی شب است و به سبزی‌رنگ نیز اطلاق شده می‌شود؛ چنین رنگی نشانه نهایت شادابی و طراوت گیاهان و درختان است و این تعبیر بیانگر نهایت خرمی آن دو بهشت است (مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۴، ج ۸، ص ۱۰۵).

«منِ دونِ هما» چه «غیرازآن دو» و چه «پایین‌تر» معنا شود که درجات فضیلت را برساند؛ در حقیقت هدف از «منِ دونِ هما» بیان وجودی بهشت‌هایی به‌غیراز دو بهشت اولین است. اگرچه گاه توصیف مفسران از این بهشت‌ها متنوع و متعدد است؛^۱ هیچ‌کدام از این تفسیرها بر یکدیگر رجحان خاصی ندارد و درعین حال ممکن است، معنای همه این تفاسیر لحاظ شوند. آنچه مسلم است، خداوند چهارباغ بهشت در اختیار بندگان صالح‌ش می‌گذارد تا در آنجا از فیوضات الهی بهره‌مند شوند. به نظر می‌رسد با توجه به نص قرآن کریم، اصل وجودی چهار بهشت آسمانی به‌خوبی تبیین می‌شود.

۲.۱. مضمون بهشت‌های چهارگانه براساس اوصاف قرآن کریم^۲

به‌تصریح آیات قرآن کریم (انفال: ۴، انعام: ۱۳۲، اسراء: ۲۱، مجادله: ۱۱) برای جاودانگان در بهشت، برحسب فضایلشان (ایمان و عمل) درجاتی است. همچنین به‌تصریح روایاتی که بر بهشت‌های چهارگانه تأکید دارند و براساس بشارت قرآن کریم درباره واردشدگان به این بهشت‌ها، شرط ورود به چهار مرتبه بهشت (جَنّاتِ مأوی، جنات نعیم، جنات عدن و جنات فردوس) همانا ایمان و عمل صالح است.^۳ در میان این مراتب^۴ برترین مرتبه، جنات فردوس است که برترین درجه، بهترین جایگاه بهشت و محل جوشش نهرهای بهشتی است. بهشتی که دیوارها و غرفه‌هایی از نور دارد و سقف آن عرش الهی است و این بهشت جایگاه حضرت فاطمه^۳ است. نعمت‌های خاص خداوند برای بندگان خاصش در جنت فردوس فراهم است. (سجده: ۱۷) در قرآن کریم از فردوس به «الدَّرَجَاتُ الْعُلَى وَالْقَوَارِعُ الْعَظِيمِ» تعبیر شده است. بیشتر نعمت‌های متنوع بهشت در قرآن کریم، مربوط به نعمت‌های جنات نعیم است: باغ‌ها میوه‌ها،

۱. در حدیثی پیامبر اکرم می‌فرماید: دو بهشت از طلا برای مقربان و دو بهشت از نقره برای اصحاب یمین است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۸، ص ۱۰۵)

۲. این نگرش براساس تبیین مراتب چهارگانه بهشت در قرآن کریم و طبق مقاله «بررسی سلسله مراتب بهشت‌های چهارگانه براساس قرآن و روایات» شکل گرفته است (رک: کامیاب، حسین، ۱۳۸۹، ص ۹۰ تا ۷۵).

۳. خلود (جاودانگی) ویژگی سه بهشت آخر است و نه جنات مأوی؛ زیرا این مرتبه، مرحله آغازین ورود به بهشت است و تعبیر نَزْلًا به پذیرایی آغازین مؤمنان (سجده: ۱۹) در این جَنّت اشاره دارد.

۴. این نکته شایان ذکر است که ترسیم این سلسله مراتب به معنای تقسیم‌بندی بهشتیان به چهار گروه بی‌ارتباط و جدای از هم نیست؛ زیرا بهشت مقام اراده الهی و لطف و رحمت بی‌پایان است.

تختگاه‌ها، شراب‌های طهور بهشتی، حوریان و... (واقعه: ۸۹-۸۸، صافات: ۴۳-۴۰). جنات عدن نیز از زیبایی و نعمت‌هایی بهره‌مند است: سلام دادن فرشتگان، در کنار عزیزان بودن، نهرهای روان و درختان سرسبز، سلامتی، رزق ویژه، همسران نیکو، مسکن طیبه و... (رعد: ۲۳، نحل: ۳۱، کهف: ۳۱-۳۰).

واردشدگان به این بهشت‌ها نشانه‌هایی دارند؛ جنات مأوی: ایمان به آیات الهی، تسبیح و حمد الهی، عدم تکبر، شب‌زنده‌داری، انفاق و خواندن خداوند از روی خوف و طمع. جنات نعیم: پاداش صالحان و صادقان و مقربان، اهل معرفت، شیعه اهل البیت: دارندگان حُسن خُلق و سخاوت. جنات عدن: پاداش صبر و نماز و انفاق، پاسخ بدی را به نیکی دادن، تزکیه داشتن، مجاهده فی سبیل الله و تقوای الهی. جنات فردوس: خشوع در نماز، امانت‌داری، پاک‌دامنی، وفای به عهد و پیمان و روی‌گردانی از لغو.

۲. روایات اسلامی

طبق روایات ساختن فضای سبز و کاشتن شاخه‌ای ثمربخش خیر مضاعف بوده، جلوه و روشنایی چشم در دیدن فضای سبز و آب روان است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰، ص ۲۴۶) و این امور در زمره صدقات محسوب می‌شوند (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۲۹۳). در شریعت اسلام، درخت‌کاری و آبادانی اهمیتی بسزا دارد؛ اهتمام پیشوایان اسلام به این امر از احادیث^۱ و سیره عملی آن بزرگواران به دست می‌آید. ایشان در عمل نیز با حفر چاه‌ها، کاشتن درختان میوه و ایجاد نخلستان‌ها اقدام به آبادانی شهرها و روستاها می‌کردند و هنوز هم باغ‌ها و قریه‌هایی که ثمره سرسبز همت و عمل ایشان بوده، در مناطقی چون مشربه ام‌ابراهیم در مکه مکرمه و آبار علی - چاه‌هایی که حضرت علی علیه السلام حفر نمودن - و قریه‌های عریض و یئبوع در مدینه منوره باقی و جاری است.^۲

۱. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی درختکاری را هم‌شان با تعلیم دانش، ساختن مسجد، به ارث گذاشتن قرآن یا کتاب علمی سودمند قرار می‌دهند (هندی البرهان، ۱۴۰۹، ص ۹۵۴) و قطع کردن آن را سبب فروریختن عذاب برمی‌شمردند (شیخ حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۹، ص ۳۹).

۲. قریه‌های عریض و یئبوع نزدیک مدینه النبی به ترتیب به دست مبارک امام جواد و امام صادق علیهما السلام آباد شده‌اند. (شیخ حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، حدیث ۳۱۷۰۴ - حدیث ۳۱۷۰۵)

۲.۱. بهشت‌های چهارگانه در روایات

در روایات اسلامی چه تلویحی و چه تصریحی به بهشت‌های چهارگانه تصریح شده است؛ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لَا تَقُولَنَّ الْجَنَّةَ وَاحِدَةً، إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ «مِنْ دُونِ هُمَا جَنَّاتٍ...»؛ نگویید بهشت یکی است، خداوند می‌فرماید: «من دون هما جنتان» و نگویید بهشت درجات واحده دارد؛ به درستی که تفاضل مردم به اعمال آن‌هاست. (مجلسی محمدباقر، بحار الانوار، ۱۴۰۴، ج ۶۶، ص ۱۵۵).

این بهشت‌های چهارگانه در روایتی از امام باقر علیه السلام تصریح شده است: «أما الجنان المذكورة في الكتاب فإنهنَّ جنة عدن و جنة الفردوس و جنة النعيم و جنة المأوى» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۱۰۰).

حضرت رسول صلی الله علیه و آله نیز بهشت را از جهت محبت اهل‌البیت: به درجاتی تقسیم می‌فرماید؛ که بالاترین درجه آن برای کسی است که به پیامبر و اهل‌بیتش: محبت قلبی داشته، با دست و زبانش ایشان را یاری می‌دهد. درجه دوم از آن کسی است که محبت قلبی دارد و نصرت زبانی می‌رساند و درجه سوم بهشت برای کسی است که نسبت به اهل‌بیت فقط محبت قلبی دارد (برقی، ۱۳۷۰، ص ۱۵۱). در این روایت صراحتاً به سه درجه بهشت، محبان و عاشقان اهل‌بیت: اشاره شده است و از سیاق روایت می‌توان چهارمین بهشت که در شأن و منزلت پیامبر ۹ و خاندانش: که مقصد و غایت محبت شیعیان‌اند، صلی الله علیه و آله یافت.

۳. نگرش حکمای عهد صفوی

دوران صفویه از جهت جریان‌شناسی حکمت و فلسفه دارای اهمیت بسزایی است؛ چراکه با حضور ملاصدرای شیرازی سومین مشربه فلسفه اسلامی، حکمت متعالیه در این دوران نزع می‌گیرد.

در ذیل نگاه هستی‌شناسانه فیلسوفان این عهد، درباره عالم مثال می‌توان به تفسیری فلسفی از باغ‌هایی زمینی و مثالین از بهشت آسمانی دست‌یافت. نکته مهم آنکه در نگره حکمی - فلسفی روزگار صفوی، وجود نگاه مثال‌گونه در ارتباط موجودات این جهانی و زمینی،

نگرشی اصیل و مطرح است؛^۱ میرفندرسکی (معاصر با شیخ بهایی و میرداماد) از بزرگان حکمت و عرفان آن روزگار، در قصیده مشهور یائیه خویش بر وجود صورتی اخروی، باطنی، آسمانی و زیرین برای آنچه در عالم دنیوی و زیرین و ظاهری است صحنه گذاشته است.

چرخ با این اختران نغزو خوش زیباستی

صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی

صورت زیرین اگر با نردبان معرفت

بر رود بالا همان با اصل خود یکتاستی

(میرفندرسکی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۹)

ملاصدرای شیرازی در مقام آغازگر حکمت متعالیه نیز علاوه بر قبول نگاه مثالی (اسفار اربعه و شواهد الربوبیه) به مسئله مخلوق بودن جنت و مکان آن (بهشت محسوس) اعتقاد داشته و در آثار خویش عنوان می‌کند: «جنت محسوس در عالم آخرت را در واقع انسان‌ها [با اعمالشان] می‌سازند، یعنی این جنت، برای انسان سعادت‌مند در حال خلق شدن است [جنت اعمال] و ظهور آن پس از ویرانی عالم دنیا خواهد بود... از سویی بهشتی مقدم بر دنیا وجود دارد که سنخ آن از سنخ عالم آخرت است و در سیری نزولی، مقدم بر دنیا است. همان جنتی که آدم عَلَيْهِ السَّلَام از آن هبوط کرد و بسیاری از داده‌های دینی که از وجود فعلی جنت خبر می‌دهند، ناظر به همین جنت است و معراج پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به این جنت بوده است؛ بنابراین نباید مشاهدات ایشان را در معراج، وهمی یا مثالی دانست؛ بلکه باید آن‌ها را، با این قید که شماری از آن‌ها اخبار واحدند، به دلالت ظاهری پذیرفت؛ زیرا تأویل داده‌های دینی بدون ضرورت شرعی و مبنای معتبر عقلی روا نیست» (ر.ک: صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۱، ص ۷۳۷ - ۶۸۴) و (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۵ - ۱۳۵).

به نظر ملاصدرا «بهشت در باطن حجاب‌های آسمان‌هاست و گاه جلوه‌هایی از آن در این عالم ظهور می‌کند؛ چونان آینه‌ای که صورتی را می‌نمایاند» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰، ص ۲۹۹).

۱. نگاه فلسفی و مثالین صدرایی را با تمام ابداعات و تفاوتش باز می‌توان در امتداد مشربه‌های افلاطونی و فلوطینی در فلسفه غرب و مشربه اشراقی در فلسفه اسلامی دانست.

نگاه فیلسوفانه صدر المتألهین درباره عالم مثال در ایده چهارباغ، بهشت مثالی بسیار قابل استناد است؛ چنانچه ذیل این دستگاه نظری، تصویر و مُثُل هر آنچه در آسمان هاست از آینه آسمان بر مقیاس زمین سایه افکنده و نمونه و نظیری هر چند زمینی و مثالی و محسوس از آن نمونه ازلی بر زمین مستقر می‌شود. چنین تلقی حکمت‌آموزی، می‌تواند استنادی مناسب برای رویکرد به مبحث چهارباغ نیز باشد؛ بدین ترتیب ذیل نگاه حکمت‌آمیز رایج در عهد صفوی می‌توان چهارباغ صفوی را جلوه‌ای از حقیقت آسمانی فردوس الهی برشمرد. در این بیان، چهارباغ زمینی بهشتی مثالی در انعکاس آئینه‌وار بهشت آسمانی است؛ صورتی که از جان و حقیقت آن بهشت بالایی نشان دارد. چنین نگاهی به طبیعت باغ به خوبی می‌توانسته جهان خیال هنرمندان و مردم روزگار صفوی را توأمان با تعبیر باغ، بهشتی مثالین گره‌زده و این باغ آسمانی ارجاع معنایی و تصویری بسیاری از هنرهای سبک اصفهان باشد.

۴. تأثیرپذیری معماری از تفکر عرفانی شیعه در عصر صفوی

در گذشته ایران زمین، همواره عالمان، حکیمان، ادیبان و شاعران از مشربه‌های معرفتی، دینی و حکمی و عرفانی اسلامی - ایرانی بهره می‌جستند؛ و البته هنرمندان نیز همواره جلوه‌هایی از این معارف و اندیشه‌های بلند را در صنعت و پیشه‌خویش عرضه می‌کردند. معمولاً این رمز و رازها و سنت‌ها از راه استاد و شاگردی سینه‌به‌سینه نقل و در کار هنرمندان شاگردان مشتق می‌شدند. بسیاری از اصول، آیین‌ها و آداب معنوی پیشه‌ها در «فتوت‌نامه‌ها» برای ما به یادگار مانده است؛ بدین ترتیب فتوت‌نامه‌ها هم دستورالعمل عقیدتی و اجرایی هر پیشه بودند و هم دستورالعمل معرفتی و سمت‌وسوی معنوی که هر شاگرد با اذکار و انجام آداب و سنن آن پیشه، در واقع اهلیت آن پیشه و صنعت را کسب می‌کرده است.

بیشتر پیشه‌ها و اصناف برای خود استادانی معنوی در نظر می‌گرفتند و از آنجایی که فتی و جوانمردی در بالاترین حد و شأنش لایق امیرمؤمنان علیه السلام دانسته می‌شد، بیشتر اصناف سرسلسله فتوت خود را ایشان قرار می‌دادند. در «فتوت‌نامه بنایان» که با توجه به زبان و ادبیاتش (سبک اصفهان) به احتمال قوی ترنگاشته شده در عهد صفوی است، چنین آمده: «اگر پرسند کریم‌ترین بنایان که بود به گوی علی بود، امیرالمؤمنین علیه السلام که در بنای مسجد مدینه پیامبر ۹

را معاضدت کرد و او سر جوانمردان است و بزرگ‌ترین ایشان در مقام. چنانکه حدیث در مقام اوست؛ لافتی الا علی؛ لاسیف الا ذوالفقار» (خان محمدی، ۱۳۷۱، ص ۱۴).

در این فتوت‌نامه، با طهارت بودن، بر جاده راستی بودن، با حیا بودن و نظراز غیر [نامحرم] برداشتن، کم‌سخن گفتن و نزد مشایخ بزرگان به ادب رفتار کردن در مقام اصول پنجگانه معماری معرفی می‌شود (خان محمدی، ۱۳۷۱، ص ۱۵). همچنین ابزار و اعمال متخصصانه حرف به دقت توصیف شده و تمامی به دقایقی معنوی و معرفتی ارجاع می‌یابد: «اگر پرسند آن زمان که بر کار بالا روی و بر ارتفاع بایستی چه خوانی؟ بگو: «عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ يُدْخِلَكُمُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» (خان محمدی، ۱۳۷۱، ص ۱۵). این کار بالا می‌توانسته، معماری بر بلندای دیوار کوشکی یا حصار چهارباغی بوده باشد.

بدین ترتیب در تمام مراحل معماری از قالب و تیشه به دست گرفتن تا طرح انداختن گنبد، طاق، قوس‌ها و ستون‌ها، همچنین بر بلندای عمارت رفتن و پایین آمدن از آن و دست در گل انداختن و گل به قالب گرفتن و خشت برخشت نهادن و... همه با بر لب جاری شدن ذکرو آیات قرآن همراه و همدم است: «و اگر پرسند چون گل بر قالب نهی چه خوانی، بگو: «يَا وَيْلَانَا مِنْ بَعَثْنَا مِنْ مَرْقَدِنَا»... و اگر پرسند که قالب از کجا آمده است؟ بگو: چوب آن از شمشاد است که درختی از بهشت است» (خان محمدی، ۱۳۷۱، ص ۱۵)؛ بنابراین از سویی درونمایه شخص معمار و آداب و افعال معماری با معارف اسلامی آمیخته بود و از سوی دیگر همین معماران کتیبه‌هایی با مضامین والا را - مزین به آیات و روایات و ابیات معرفت آموز - که بر سنگ و کاش‌های آبی و لاجوردی نقش بسته بودند، بر دیوار و محراب و سردر مساجد و مدارس و عمارت‌های گوناگون و البته چهارباغ‌ها نصب می‌کردند.

یاد مداوم پروردگار در حین انجام کار و ارجاع و اشعار به آخرت، یادآوری درختان و سرسبزی بهشت و... در هنرمندان معمار به زیبایی می‌توانست تخلّق به آداب اسلامی و صفات روحانی را به شکل ملکه‌ای اخلاقی نمود دهد. در چنین زیست جهانی است که هنرمند معمار، معانی الهی و معنوی که چون ذکری دائم با جانش عجین شده را خودآگاه یا ناخودآگاه در لایه‌های هنر خویش جلوه خواهد داد و در واقع هنرمند پرورش یافته تحت سلوک معنوی، هنری سنتی و تحت همان آداب و امتیازات را خلق خواهد کرد؛ به یقین مخاطبان نیز معنویت برخاسته از

چنین هنری را با حضور در آن مکان (چهارباغ) حس خواهند کرد. شاید بتوان گفت، این نکته مهم‌ترین وجه تمایز هنر و معماری سنتی با هنر و معماری مدرن و تجددمآب است؛ چنانکه بسیاری از سیاحان عهد صفوی و حتی گردشگران امروزی معماری سنتی ایرانی، با حضور یافتن در معماری اسلامی (مسجد، مدرسه، باغ‌های سنتی و...) حس معنوی مکان را دریافته، به آرامش و معنویتی وصف‌ناشدنی اقرار می‌کنند.

۵. احیای باغ‌سازی صفوی ذیل سنت اسلامی وقف

وقف از سنن اسلامی مهم در دوره صفوی است که هم از سوی حاکمیت وهم از سوی مردم بسیار مورد توجه بوده است و می‌توان یکی از دلایل عمده آبادانی شهرها در این دوران را همین اعتماد مردم به علما و در نتیجه حاکمیت دانست. به جهت نقش کلیدی و بسیار مهم علما و روحانیون در عرصه حاکمیت و متولی بودن امر وقف، این سنت اسلامی به پویایی خاصی دست یافته و «به حق باید این دوره را عصر وقف نامید» (جعفریان، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۹۱۳).

استقرار دولت صفویه و تبعیت از مذهب شیعه امامیه، حاکمان این سلسله را به سمت توسعه فرهنگ وقف و پیشگامی آنان به همراهی علما سوق داد. انتخاب اصفهان به عنوان پایتخت دولت شاه‌عباس اول (۹۹۶ - ۱۰۳۸ ق) اوج ترویج و رونق وقف بود، به طوری که بسیاری از آثار، ابنیه و عمارت‌های قابل اعتنای آن عهد به این ترتیب شکل گرفت. بانوان، بخصوص شاهزاده خانم‌های صفوی، زنان امراء و بانوان دیگر اقشار جامعه، در این تحول ارزشمند نقش برجسته‌ای داشتند؛ چنانچه مدرسه چهارباغ (معروف به مادرشاه)، موقوفه مادر سلطان حسین صفوی بود. راجع به موقوفات اسلامی در عهد صفوی، بیش از ۱۳۰ نمونه مصرف بر شمرده‌اند (حسینی اشکوری، ۱۳۸۸، ص ۴۳۰-۴۱۷).

در دوران صفویه علما و روحانیون به عنوان اُمّانای مردم عهده‌دار مناصب وقف و همچنین نظارت بر درستی انجام آن بودند. مبسوط الید بودن عالمان و روحانیون حضور اجرایی ایشان در عرصه حاکمیت با مقاماتی چون: منصب صدارت، صدرالممالک، شیخ‌الاسلام، و مسند قضاوت و پیش‌نمازی، همراه بود؛ عالی‌ترین مرجع برای تفسیر فقه شیعی منصب صدارت بود که از مهم‌ترین وظایفش، رسیدگی به امور وقف بود (ر.ک: جعفریان، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۹۱۹).

«قسمت عمده فعالیت اداری [مقام صدارت] وقف است که می‌بایست عواید حاصل از موقوفات دینی را به مصرف صحیح خود برساند و بر تمام مساجد، موقوفات و اماکن متبرکه ریاست فائده کند» (رک: کمپفر، ۱۳۶۳، ص ۱۲۱).^۱

شرح رقبّاتی که معمولاً هزار چندی واقف، برای مخارج و تعمیر موقوفات، وقف می‌کرده است، می‌تواند روشنگر بخشی از مسائل فرهنگی و جامعه‌شناسانه هنر دوره صفوی باشد؛ مثل این نکته که بیشتر حمام‌ها، کاروانسراها و مدارس از جمله مدرسه چهارباغ و برخی ضمائمش از موقوفات آن دوران بوده‌اند. (رک: جعفریان، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۹۰۵ - ۸۸۳). از دیگر موقوفاتی که در دوره صفوی به آن توجه زیادی معطوف می‌شد، وقف برای روضه خوانی بود؛ یک نمونه از این قبیل موقوفات، وقف روستای خاوه از روستاهای قم و چندین روستای دیگر در اصفهان [با تمام باغ‌ها و زمین‌های زراعتی‌شان] از طرف یک شاهزاده خانم صفوی است (رک: جعفریان، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۹۰۵ - ۸۸۳).

یکی از این منابع مهم تاریخی آن زمان، بدایع الوقایع^۲ است - مؤلف این کتاب را در اواخر عمرش در قرن دهم ه. ش نگاشته است - اهمیت شاهد برگرفته از این متن، آنجایی است که مؤلف از چهارباغی موقوفه با کاریزی پراز آب گزارش می‌دهد. طبق گزارش مؤلف، برای نوشتن خطبه وقف آن چهارباغ از وی استمداد شده است. در وصف‌های ادیبانه این وقف نامه علاوه بر ارتباط تنگاتنگ بهشت و چهارباغ می‌توان به نیت خدا جویانه و معرفت دینی واقفان این چهارباغ که همانا باقی نبودن این عالم و انجام باقیات‌الصالحات است؛ اشاره نمود. نکته جالب دیگر در این وقف نامه، کار گرفت لفظ چهارباغ، یک بار برای چهارباغ وقف شده به‌کاررفته است و دیگر بار برای وصف آسمان؛ یعنی آسمان به جهت بزرگی، وسعت و فسیح الفضا بودنش از سویی و آسمان و فلک به سبب ستارگان درخشانش - که به ریحان و گل همیشه بهار مانند شده‌اند از سوی دیگر، به چهارباغ تشبیه شده‌اند (واصفی، ۱۳۴۹، ص ۲۷۶).

۱. مقام صدارت مُحق است که شهره و حقوق برای متولیان، کارکنان و خدام، مدرسین، طلاب، و غاظ و روحانیون از هر درجه و مرتبه به تشخیص خود و بر حسب کفایت آن‌ها تعیین کند، بر آن بیفزاید، از آن بکاهد و یا به‌کلی آن را قطع کند (کمپفر، ۱۳۶۳، ص ۱۲۱).

۲. محتوای «بدایع الوقایع» ترکیبی است از شیوه زندگی، آداب و رسوم مردم در قرن دهم ه. ق، با شرح جزئیات متنوع از محافل درباری، مجامع ادبی و هنری قابل توجه. همچنین کتاب مجموعه نفیس و قابل استنادی از لغات و ترکیباتی است که مکاتبات و محاورات بین طبقات و اصناف ایرانیان متداول بوده است (واصفی، ۱۳۴۹، مقدمه ج ۱، ص ۷).

ارتباط باغ سازی و احیای باغ‌ها با این سنت اسلامی حسنه، از آنجاست که معمولاً واقفان از میان بهترین املاک خود (باغ، زمین زراعی و...) را وقف می‌کردند تا عواید آن برای آبادانی حرم اهل البیت: و یا عزاداری آن بزرگواران، به ویژه امام حسین علیه السلام و یا تعمیر و بازسازی مساجد، پل‌ها، کاروانسراها و سایر اماکن مذهبی و عمومی استفاده گردد؛ یعنی سنت وقف از این دو منظر بر هنر این مرزوبوم تأثیرگذار بوده است: یکی به جهت استفاده از منابع عظیم وقف در بازسازی و مرمت و تزئین جایی که موقوفه به نیتش وقف می‌شد (مثل حرم امامان و امام‌زادگان، مساجد، مدارس و...) و دوم موجودیت موقوفاتی که اغلب، باغات و زمین‌های زراعی بزرگ و پرثمر بودند. پس باید به عین وقف (مثلاً چهارباغ یا زمینی زراعی بود) رسیدگی شایانی می‌شد؛ چراکه سرپا بودن عین موقوفه‌ها و احیای آن‌ها سبب ساز استفاده از عوایدشان در امر وقف بود و این مطلب، به حفظ عین موقوفه کمک شایانی می‌کرد. در همین راستا، گزارش‌هایی از موقوفه‌هایی موجود است که درآمدشان برای احیا و ماندگاری قنات‌ها و اصلاح باغات مصرف می‌شدند.

در این باره می‌توان به موقوفه قریه باطان و قلعه آن و موقوفه مدرسه نوریه اشاره کرد که پس از خارج کردن حقوق دیوانی و مئونات زراعت و تعمیرات مدرسه، مابقی بهره باغ به منظور مرمت و بقای باغ مصرف می‌شدند (رک: حسینی اشکوری، ۱۳۸۸، ص ۴۳۰). در بسیاری از مواقع برای ازدیاد منافع عین موقوفه و آبادی آن درصدی از عایداتش برای احیای عین موقوفه در نظر گرفته می‌شد؛ به این ترتیب مانایی بسیاری از باغ‌های عهد صفوی به دلیل موقوفه بودنشان بوده است. به این ترتیب، می‌توان تأثیر سنت وقف در ایجاد و ابقای باغ‌های عصر صفوی انکار نشدنی است؛ چراکه معماری چهارباغ تحت تأثیر مستقیم سنت اسلامی وقف در دوران صفویه به بقا و تکثیر می‌رسد.

به نظر می‌رسد، به پژوهشی جامع درباره سنت گران قدر وقف در دوره صفوی نیاز است تا به تأثیر این سنت اسلامی بر حوزه‌های نظیر اقتصاد، سیاست و فرهنگ و هنر بپردازد.

۶. باغ در ادبیات صفوی

در تاریخ ادبیات فارسی، نشانه‌های تأثیر قرآن و جهان بینی اسلامی در زبان و خیال مردمان و آثار منظوم و منثور بزرگانی چون نظامی، مولوی، سعدی، حافظ و کاملاً مشهود است؛ تا جایی

که غنای مضامین بسیاری از ذخایر ادبی و مکتوب ایران چه به صورت عینی (صنعت درج) و چه ضمنی (صنعت حل) تحت تأثیر آیات، اشارات، عبارات و یا نکات و دستورات اعتقادی، تربیتی، اخلاقی و حکمی و عرفانی بوده است.

ادبیات عهد صفوی - نثر و نظم - چه از منظر ظرایف، صنایع ادبی و سجع‌های آوایی حاصل از آن و چه از منظر درج آیات قرآن و به‌ویژه سنت دائمی تشبیه باغ‌های زمینی به جنت و باغ‌های آسمانی دارای ویژگی‌های خاصی است. نکته مهم آنکه به دلیل همین ظرفیت ادبی و بیانی سبک‌های عراقی و هندی^۱ در ادبیات سبک اصفهان، معنای باغ بیش‌ازپیش با بهشت و فردوس الهی گره می‌خورد. از وصف جمال یار و آب خوشگوار تا بوستان کواکب و منظر مینای افلاک و مقام معنوی و جلال شکوه همایونی پادشاهان و بزرگان تا تشبیه عمارت‌ها و باغ‌ها همه به بوستان دلستان بهشتی و آسمانی تشبیه شده است و تعابیری چون: خلد برین، جنت آسا، جنت مکان، خلد آشیان و... بسیار پرکاربرد. همچنین تشبیه زیبایی و شکوه درختان به درخت طوبی و آب‌ها و چشمه‌ها به حوض کوثر و جویباران بهشتی و... بسیار فراوان است.

به دلیل فرمان شاه اسماعیل صفوی مبنی بر عدم سرایش شعر در مدح سلاطین و پادشاهان و به‌ویژه ارادت شعرا و نویسندگان عهد صفوی به خاندان عصمت و طهارت: بسیاری از اشعار در نعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و وصف ائمه اطهار: و حرم‌هایشان سروده می‌شدند^۲ و در اغلب این اشعار، نهایت شکوه و معرفت و عصمت ایشان با عناصر باغ و بهشت آسمانی وصف شده است.

شاید کمتر شعری در به‌کارگیری مضامین بدیع و تصویرسازی‌های لطیف در نسبت باغ و بهشت به بداعت و ظرافت شعر حافظ برسد؛ اما گویی این بهشت‌آسایی و تصویر باغ‌های

۱. ادبیات و شعر قرن ۹ ه. ق. به بعد را سبک هندی می‌نامند؛ زیرا با وجود روابط نزدیک صفویان و گورکانیان هند، ادب و هنر پارسی در آنجا نفوذ یافت و به دلیل وجود شاعرانی پارسی‌گودر دربار گورکانیان و رویکرد آنان به زبان و ادب فارسی به عنوان زبان غیربومی، این سبک در هندوستان هندی نام گرفت؛ ولی در تداول عامه این سبک چه در ایران و چه در هند به هندی شهرت یافت. بعضی این سبک را در ایران سبک صفوی یا اصفهان می‌نامند (انوشه، ۱۳۷۶، ص ۷۹۵). سبک هندی شعر مضامین اعجاب‌انگیز و ایجاد رابطه‌های غریب است و البته تشبیه اساس این سبک است (شمیسا، ۱۳۸۱، ص ۲۹).

۲. چنانچه عبدی بیگ نویدی شیرازی، در آغاز مثنوی لیلی و مجنون و میرزا محمد در مثنوی شاهراه جهان با استفاده زیبایی‌های بهشت در نعت پیامبر و حضرت علی ۸ سروده‌اند (طغیانی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۶، ۱۶۶).

آسمانی از قرن هشتم ه.ق با حافظ به غنی‌ترین و عمیق‌ترین مشبّه‌به و نماد زیبایی بدل می‌شود. مرحوم بهار درباره سبک هندی و قرین شدن معنا و تصویر بهشت در این سبک و امتداد آن در سبک اصفهان می‌نویسد: «شعر فارسی یک‌باره با خواجه حافظ - علیه‌الرحمه - به بهشت رفت و بازنگشت و در فردوس برین با دری‌گویان بهشتی جای خوش کرد» (بهار، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۱۱۹). این منظر بهشت‌آسا بر فصل بندی بسیاری از کتب و رسالات نوشته شده در عهد صفوی و سبک هندی نیز تأثیر گذاشته، بسیاری از رسایل در «هشت روضه» - به نشانه هشت در بهشت - نگاشته می‌شدند.^۱ بسامد تصویر آفرینی متعدد و بدیع (بیش از ۷۰۰ بیت) با مفهوم بهشت در ادب فارسی و شعر شاعران از قرن ۲ تا قرن ۱۴ ه.ق (از رودکی تا پروین اعتصامی) به صورت معناداری، مربوط به شعر صائب تبریزی شاعر پرآوازه سبک هندی در دوران صفوی است.

تشبیه، تمثیل و تلمیح اساس سبک هندی است؛ شاعر بزرگ در سبک هندی شاعری است که مدام بتواند بین معقول و محسوس رابطه ایجاد کند و این رابطه نیز بیشتر بر پایه تشبیه بنا می‌شود. کار مهم شاعران این سبک، ترجمان مطالب فلسفی و عرفانی و غنائی گذشتگان به زبان و بیان سبک هندی بود (ر.ک: شمیسا، ۱۳۸۱، ص ۳۰۰-۲۸۸). بیرون آمدن شعر از دربار، سبب شد شعر از اختصاص داشتن به طبقه‌ای ویژه (سلاطین و درباریان) رها شده، گسترش آن در میان مردم بیش‌ازپیش باشد (ر.ک: شمیسا، ۱۳۸۱، ص ۲۸۷-۲۷۹). با تمام خرده‌گیری‌هایی که سبک هندی وارد شده^۲ «اما شعر و خصوصاً نثر را از جهت محتوا و برخوردار از آیه و حدیث نسبت به دوران گذشته دارای وضعیت بهتر و عمق و غنای برتری است» (طغیانی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۰).

در نثر سبک مصنوع اصفهان، بسیار با عباراتی روبرو می‌شویم که باغ به جنت و فردوس و خلد برین تشبیه شده و سایر زیبایی‌های جهان نیز گاه مستقیم به بهشت و گاه با تشبیه به باغی

۱. بسیاری از کتب عهد صفوی در هشت روضه (فصل) نگاشته می‌شدند از جمله، یکی از کتب تاریخی مهم عهد صفوی «خلد برین» است که در هشت روضه (بخش‌های اصلی) و حدیقه‌هایی (بخش‌های فرعی) نگاشته شده است.

۲. بعضی از صاحب‌نظران بر شعر سبک هندی خرده می‌گیرند: خارج شدن سبک هندی از اسلوب و فنون متداول شعری، آمدن شعر در میان عوام، تقلیدی بودن اشعار حکمی و عرفانی و... ولی ویژگی‌های اصیل و جذابی چون: تلمیحاتی زیبا و تأثیرگذار، ذوق عرفانی و مایه‌هایی حکمی در غزلیات شاعران عارف و عالم این دوره: شیخ بهایی، فیاض لاهیجی، کلیم کاشانی، صائب تبریزی و محتشم کاشانی وجود دارد (ر.ک: طغیانی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۸ تا ۱۲۴).

بهشت آسا و عناصر آن (گل و درخت و آب و) به بهشت آسمانی منسوب شده‌اند؛ یعنی در مرتبه اول باغ زمینی (مشبه) به باغ و جنت آسمانی (مشبه به) تشبیه شده؛ در مرتبه دوم پس از مرحله این همانی؛ هرزیبایی و لطافتی به باغ و فردوس الهی تشبیه شده است و این چنین گویی تمام زیبایی‌های حسی به واسطه - حضور باغ - به زیبایی‌های معنوی، ازلی و آسمانی و منسوب می‌شود.

در بسیاری از منابع مکتوب عهد صفوی: بدایع الوقایع، عالم آرای عباسی، نور المشرقین - سفرنامه عبدالله ثانی مشهور به بهشتی هروی - و... باغ‌ها و کاخ‌های پادشاهان به ویژه باغ شهر اصفهان، به بهشت و آب‌های جاری و حوض‌ها و نهرها به نهرهای بهشتی و حوض کوثر مانند شده، در وصف خرمی و زیبایی این باغ‌ها با تعبیر «جئات تجری من تحتها الانهار» روبرو می‌شویم.

ارشاد الزراعه رساله‌ای است که در سال ۹۲۱ ه. ق در هرات تألیف شده و پس از ورزنامه^۱ از کامل‌ترین منابع کشاورزی و باغداری است. هروی در رساله‌اش به سیاق باغبانی در چهارباغ یعنی، شیوه جوی کشیدن، چگونگی ایجاد باغچه، دیوار، حوض و حتی کاشت گل‌ها و میوه‌هایی در برابر یکدیگر (به شیوه چهارباغ سازی) اشاره می‌کند (ر.ک: ابونصر هروی، ۱۳۴۶، ص ۲۸۱).

این کتاب نیز به هشت روضه (بخش) تقسیم شده، سراسر کتاب مشحون از عباراتی است که نشان‌گر توجه مؤلف به باغ و تمثیل آن به بهشت است. در روضه هشتم این کتاب دستورالعمل طرح چهارباغ و عمارت آن - که در نوع خود بی نظیر است - ارائه شده، جای جای کتاب اشعار و جملاتی در وصف بهشت مطرح شده است: «عمارت جنت آیات، بساتین بهشت‌آیین، ریاضِ قدسِ مزین به لاله‌های زرنگار و گلستان اُنس...» (ر.ک: ابونصر هروی، ۱۳۴۶، ص ۲۸۲ - ۲۸۰). عباراتی که به احداث تمثیلی باغ از بهشت و چهارباغ بهشت‌آیین، اشارات فراوانی دارد. با توجه به سبک نوشتاری کتاب (سبک اصفهان) صنعت تشبیه در آن به کرات به کار رفته است.

۱. رساله ورزنامه قدیمی‌ترین کتاب درباره فلاح و کشاورزی و ترجمه‌ای از فلاح الرومیّه از کاسیانوس باسوس یونانی، دانشمند بیزانسی قرن ۶ م. است؛ نسخه پهلوی این کتاب در دسترس نیست و در نسخه نویسی‌های دوران اسلامی تحت اندیشه اسلامی، اشاراتی به آیات قرآن کریم شده است (ابن اسکوراسیکه، ۱۳۸۸، ص ۴۸).

در قرن ۱۱ ه.ق، سفرنامه منظوم نورالمشرفین اثر عبدالله ثانی (بهستی هروی) در وصف چهارباغ و هشت خلدش همچین، درباره زیبایی زاینده رود و آب گوارایش با تشبیه آن به زلال کوثر (نجیب مایل هروی، ۱۳۷۷، ص ۲۲۷ - ۲۲۶). ابیاتی سروده و بدین ترتیب در جای جای نورالمشرفین به وصف بهشت گونه اصفهان و مکان‌هایی همچون دولت‌خانه پادشاهی، بازار اصفهان و... پرداخته است.

همچنین در آثار اعقاب تیموریان هند - سلسله گورکانیان مقارن با صفویان - همچون باثرا و نوادگانش اکبرشاه و جهانگیرشاه^۲ با واژه چهارباغ در مقام سبک معماری در باغ روبرو می‌شویم.^۳ امروزه تنها بخش‌هایی از چهارباغ معروف بابر در آگره مانده است؛ اما شیوه گذر معبرها و نهرهای آب به خوبی، نمایانگر الگوی کلی چهارباغ در این دوران است.

نکته مهم آنکه، پس از مراحل دوگانه تشبیه و این‌همانی (استعاره) که میان باغ زمینی و باغ بهشت بیان شد؛ می‌توان مرحله سوم نمادین شدن باغ را نیز در نظر گرفت. با توجه به زیست جهانی که از مردم و هنرمندان و حکمت و عرفان آن زمان تصویر شد، باغ نه به‌عنوان مشبه به و نه حتی این‌همانی و استعاره؛ بلکه نمادی از بهشت آسمانی در ذهن مردمان صفویه خوش می‌نشیند و از پس همین تصویر آسمانی، قالی طرح چهارباغ، معرق کاشی‌های هفت‌رنگ صفوی و حکاکی‌ها و پارچه‌های قلمکار و... با طرح چهارباغ یا عناصر آن، نقطه عطف هنر سبک اصفهان می‌شوند و البته این موضوع عرصه پژوهش دیگری است.

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد از سویی عطف توجه منابع اسلامی (قرآن کریم و روایات) بر چهارباغ بودن

۱. ظهیرالدین محمد بابر، نخستین پادشاه مغول هندوستان و نویسنده و شاعر قرن دهم ه.ق است. وی بنیان‌گذار سلسله مغولی هند پس از تسخیر کابل، به تأسی از سمرقند و احداث باغ در آنجا پرداخت.

۲. جهانگیرنامه از اولین کتب فارسی در هند. در ذکرو قایع حکومت پادشاهی گورکانی است. جهانگیرشاه همسری ایرانی داشت و به‌رغم آشنایی با زبان‌های ترکی، عربی و زبان‌های محلی در هند، به دلیل علاقه و افریه زبان فارسی کتاب را به فارسی نگاشت (جهانگیرنامه، ۱۳۵۹، مقدمه ص ۱۸).

۳. این باغ‌ها تحت نام گورکانیان هند رقم می‌خورند؛ اما به دلیل اهتمام این پادشاهان در توجه به فرهنگ و هنر ایرانی و همچنین ادبیات فارسی؛ بیشترین باغ‌ها و باغ‌مزارها به سبک چهارباغ ساخته شده، حتی کتیبه‌هایشان مزین به اشعار فارسی و در وصف بهشت اند.

بهشت آسمانی و از سوی دیگر جهان بینی حکمی و معرفتی فیلسوفان و اهل معرفت و عرفان همه و همه بر ذهن و ضمیر ادیبان، معماران و هنرمندان مسلمان تأثیر گذاشته و ذیل حاکمیت دینی در دوران صفویه معماری سبک چهارباغ با تمام دقایق حکمی و معرفتی خود جلوه‌گر شد و تصویر مثالی چهارباغ در آینه‌وارگی چهارباغ بهشتی بر زمین نقش بست. این نکته شایان ذکر است که در نسبت هنر معماری و باغ با نگرش دینی - شیعی و تصویر کردن معانی باطنی و حکمی در آن، بُعد زیبایی شناسانه و مطبوع و مفرح بودن آن از میان نخواهد رفت؛ چراکه «الدنیا مزرعه الاخره». دقت نظر شریعت اسلام در امور زندگی دنیوی، هم‌عرض با اهمیت به زندگی اخروی و بهره‌مندی از نعمات الهی بر این نکته صحنه می‌گذارد که خوشی‌ها و لذات مشروع در زندگی مؤمنانه وجود دارند؛ طبق نظام توحیدی اسلام، خوشی‌ها و لذات غیر افراطی و نامشروع که یاد پروردگار را از دل و جان برمی‌افکند و غفلت و دنیاپرستی را جایگزین می‌کند منفور و مطرودند! و البته تفرح و لذات مطبوع و مشروعی که خود به یاد پروردگار و شکر الهی می‌انجامد، در امتداد زندگی مؤمنانه و در تقویت معنای بندگی‌اند. در امتداد همین مضمون، معماری چهارباغ در عین زیبایی و فرح بخشی، هنری است آمیخته به یاد و ذکر معبود و تعالیم اخلاقی که مثال و نمادی از بهشت آسمانی و در امتداد نگره دینی - معرفتی است.

▲ فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن اسکوراسیکیه، فسطیوس (۱۳۸۸)، ورزنامه، تصحیح: حسن عاطفی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چ اول.
۳. ابونصر هروی، قاسم (۱۳۴۶)، ارشاد الزراعه، به کوشش: محمد مشیری، تهران: چ اول.
۴. استیرلن، هانری (۱۳۷۷)، اصفهان تصویر بهشت، ترجمه: جمشید ارجمند، تهران: فرزانه، چ اول.
۵. توزک جهانگیری، انورالدین محمد (۱۳۵۹)، جهانگیرنامه، مصحح: محمد هاشم، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، چ اول.
۶. انوشه، حسن (۱۳۷۶)، فرهنگ نامه ادبی فارسی (دانش نامه ادب فارسی ۲)، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
۷. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۰)، المحاسن، مصحح: سید جلال‌الدین حسینی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ اول، ج ۱.
۸. بهار، محمدتقی (۱۳۶۹)، سبک‌شناسی، تهران: امیرکبیر، ج ۱.
۹. جعفریان، رسول (۱۳۷۹)، صفویه در عرصه دین فرهنگ و سیاست، تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ج ۱.
۱۰. جنکز، چارلز (?)، «گفتگوی طبیعت با طبیعت»، ترجمه: سولماز زعیم‌دار، مجله معماری و فرهنگ، شماره ۵، ص ۶۴.
۱۱. حسینی اشکوری، سید صادق (بهار ۱۳۸۸)، «مصارف موقوفات اسلامی؛ متنوع و کارآمد: با بررسی اسناد موقوفات استان اصفهان از عصر صفوی تا کنون»، پیام بهارستان، ۲، س ۱، ش ۳.
۱۲. خان محمدی، علی‌اکبر (۱۳۷۱)، «فتوت نامه بنایان»، نشریه صفه، ۵.
۱۳. دائرةالمعارف اسلامی بزرگ اسلامی، ج ۳، ص ۴۳۷۴، کتابخانه دیجیتال مدرسه فقهت.
۱۴. دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (۱۳۸۱)، زیر نظر: کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلام، چ اول، ج ۱۱.

۱۵. دلاواله، پیتر (۱۳۴۸)، سفرنامه پیتر دلاواله، ترجمه: شعاع‌الدین شفاء، تهران: علمی فرهنگی.
۱۶. واصفی، زین‌الدین محمود (۱۳۴۹)، بدایع الوقایع، مصحح: الکساندر بلدروف، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۱۷. سلطان‌زاده، حسین (۱۳۷۸)، تداوم طراحی باغ ایرانی در تاج‌محل، تهران:، چ اول.
۱۸. شاردن (۱۳۷۲)، سفرنامه شاردن، ترجمه: اقبال یغمایی، تهران: توس، چ اول، ج ۴ (نرم‌افزار تاریخ ایران اسلامی).
۱۹. شمیسا، سیروس (۱۳۸۱)، سبک‌شناسی شعر، تهران: فردوس، چ هشتم.
۲۰. شیخ حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، تحقیق: مؤسسه آل‌البیت: قم: مؤسسه آل‌البیت: چ اول، ج ۱۷.
۲۱. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی (۱۳۷۸)، عیون اخبار الرضا ۷، تصحیح: سید مهدی حسینی لاجوردی، تهران: جهان، ج ۲.
۲۲. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۰)، الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیة، با حواشی ملاهادی سبزواری، تهران: جلال‌الدین آشتیانی، ۱۳۶۰.
۲۳. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۱)، المبدأ و المعاد فی الحکمة المتعالیة، تهران: چاپ محمد ذبیحی و جعفر شاه‌نظری، ج ۲.
۲۴. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۷۸)، المظاهر الالهیة فی اسرار العلوم الکمالیة، تهران: چاپ سید محمد خامنه‌ای، ج ۱.
۲۵. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۱)، عرشیه، تهران: چاپ و ترجمه غلامحسین آهنی، ج ۱.
۲۶. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷)، تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، ج ۱۹.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵)، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ج ۲۴.
۲۸. طغیانی، اسحاق (۱۳۸۵)، تفکر شیعه و شعر دوره صفوی، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان، چ اول.
۲۹. عبدالله ثانی، نور‌المشرفین (۱۳۷۷)، تعلیقات: نجیب مایل هروی، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۳۰. فرهنگ لغت عمید.
۳۱. فرهنگ لغت معین.
۳۲. کمپفر (۱۳۶۳)، سفرنامه کمپفر، ترجمه: کی‌کوس جهان‌داری، تهران: خوارزمی.
۳۳. کامیاب، حسین (۱۳۸۹)، «بررسی سلسله‌مراتب بهشت‌های چهارگانه بر اساس قرآن و روایات»، پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، سال اول، ش ۸.
۳۴. کرامتی، محسن (۱۳۸۳)، فرهنگ اصطلاحات و واژگان هنرهای تجسمی، تهران: چکامه، چ سوم.
۳۵. کلینی، محمد یعقوب (۱۳۶۵)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیة، چ چهارم، ج ۵.
۳۶. لیبب‌زاده، راضیه (۱۳۹۰)، حمزه‌نژاد، مهدی و خان‌محمدی، محمدعلی، «بررسی تطبیقی تأثیر ایده‌های معنوی در

- شکل باغ - مطالعه موردی باغ پاسارگاد از دوره هخامنشی و باغ فین از دوره اسلامی» فصلنامه علمی - پژوهشی باغ نظر، مرکز پژوهشی هنر معماری و شهرسازی نظر، ش نوزدهم، سال هشتم.
۳۷. لغت نامه دهخدا.
۳۸. متدین، حشمت‌الله (۱۳۸۹)، «علل پیدایش باغ‌های تاریخی ایران»، باغ نظر، ش ۱۵، سال هفتم.
۳۹. متدین، حشمت‌الله (۱۳۷۸)، «ریشه‌های مذهبی تحول باغ‌های ایرانی»، در مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران: ۲۵ - ۲۹ فروردین ماه، ارگ بم - کرمان، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، چ اول، ج ۵.
۴۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴)، بحارالانوار، بیروت: مؤسسه الوفا، ج ۶۶.
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۲۳.
۴۲. میرفندرسکی استرآبادی، ابوالقاسم بن میرزا (۱۳۸۷)، رساله صناعیه، محقق: حسن جمشیدی، قم: بوستان.
۴۳. هندي البرهان فوري، علي المتقي بن حسام الدين (۱۴۰۹)، کنز العمال في سنن الاقوال و الافعال، تحقیق و تصحیح: صفوه سقا بکري حیاني، بیروت: مؤسسه الرساله.
۴۴. واصفی، زین‌الدین محمود (۱۳۴۹)، بدایع الوقایع، مصحح: الکساندر بلدروف، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.